

فاتح جمل



فاتح جمل

صلاح الدین غزنوی

شجاعت، مہارت است ہر ان بہاء ہ از شجاع ہ دران عرصہ ہ ارزار بہ فرزندان صالح بہ ارث مہ رسد۔
امہ رامونان علاہ (علاہ السلام) ہ شجاع تر ہن شجاعان، بعد از ہ مہر بہانہا (صلوات اللہ علیہا و آلہ) بود،

آن موهبت الهی را برای فرزندانش به ارث گذاشت و در راه تقویت آن کوشش‌ها کرد. آن حضرت برای تقویت روحیه شجاعت کودکانش، خود به طور مستقیم دخالت می‌کرد. شمشیرزنی و مهارت‌ها نظام را از کودکان به آنان ملامت و شتابان از حق و حقیقت را به آنان درس می‌داد. میدان‌ها نبرد، مکتب درس شجاعت حضرت علی (علیه‌السلام) به فرزندانش بود.

با آغاز خلافت امام علی (علیه‌السلام)، عقده‌ها بر کمر بن‌بداندشان سر باز کرد و شمشیرها نیز آغاز شد. جنگ جمل نخستین فتنه بود که به بهانه خونخواهی عثمان بر پا شد. شعله‌ها جنگ زبانه می‌شد و مارت که هست مسلمانان را به تلافی از خاکستر تبدیل کند.

ام‌المؤمنین عائشه که دستورات صریح قرآن (احزاب/33) را به یوتو فراموشی سپرده بود و نصیحت‌ها مبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را پشت گوش انداخته بود، سوار بر جمل (شتر) سرخ‌مو، جنگ را فرماندهی و مدیریت می‌کرد. تدبیر جنگ اقتضاء می‌کرد که برای خاموش کردن شعله‌ها جنگ، با شتر عائشه از آن درآید. از آن رو ام‌المؤمنان (علیه‌السلام) سرش محمد بن‌احنفه را فراخواند و نلزه خود را به او داد و فرمود: «برو، شتر عائشه را نحر کن.» محمد بن‌احنفه نلزه را گرفت و حمله کرد؛ و آن‌ها سازند که اطراف شتر عائشه را گرفته بودند، حمله او را دفع کردند. او نندین بار حمله کرد؛ و نتوانست خود را به شتر برساند. ناچار نزد در آمد و اظهار عجز و ناتوانی کرد. امام نلزه را پس گرفت و به حسن (علیه‌السلام) داد. او نلزه را گرفت و به سو شتر تاخت و پس از مدت کوتاهی، باز شتر در حالی که از نو نلزه‌اش خون می‌د. محمد حنفه به شتر نحر شده و نلزه خونین نلرست و شرمند شد. ام‌المؤمنان به او فرمود: «شرمنده نشو؛ زیرا او فرزند امیر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است و تو فرزند علی هستی.» (ابن شهر آشوب، ج 4، ص 21)

منبع: ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، علامه قم، 1379 ق

